

امام علی علیه السلام نزد شیعه از چه جایگاهی

برخوردار است؟

کلمه مهدی نکوئی سامانی*

مقدمه

تشیع با پیدایش اسلام و با توصیه‌های پیامبر صلی الله علیه و آله درباره امام علی و اهل بیت علیهم السلام شکل گرفته است، اما مخالفان شیعه که همواره در طول تاریخ، با انواع ظلم‌ها و دشمنی‌ها امام علی علیه السلام و شیعیان آن حضرت را آزرده‌اند، ادعا می‌کنند که مذهب شیعه جعلی است. آنان از این حقیقت غافلند که تعبیر شیعه را نخستین بار پیامبر صلی الله علیه و آله به کار بردند و فرمودند: «علی و شیعتہ هم الفائزون».^۱

شیعه در لغت و اصطلاح

شیعه در لغت از ماده شیع به معنای مشایعت و پیروی و به معنای پیرو و طرفدار آمده است.^۲

*. عضو هیئت علمی گروه کلام و معارف پژوهشکده حج و زیارت.

۱. بحارالانوار، ج ۴۰، ص ۷۶.

۲. قاموس اللغة، فیروز آبادی، ص ۳۳۲.

شهرستانی می‌گوید: «شیعه کسانی هستند که تنها از علی پیروی می‌کنند و به امامت و خلافت او، از طریق نص باور دارند و می‌گویند: امامت از او خارج نمی‌شود، مگر به ظلم».^۱

تعبیر «شیعه» را نخستین بار رسول گرامی اسلام ﷺ برای دوستان و پیروان حضرت علی ع به کار بردند. در اینجا تنها به چند روایت از پیامبر اکرم ع که در کتب حدیثی برادران اهل سنت آمده است، اشاره می‌کنیم:

۱. «سیوطی» در کتاب «الدر المنثور فی تفسیر کتاب الله بالمأثور» در تفسیر آیه شریفه ﴿أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ﴾ (بینه: ۷) از «جابر بن عبدالله انصاری» و «ابن عباس» و علی ع روایت کرده است که ما در نزد پیامبر اکرم ع بودیم که حضرت علی ع وارد شدند، پیامبر اکرم ع فرمودند، قسم به آنکه جان من در دست اوست، این مرد و شیعیانش در روز قیامت رستگار هستند و این آیه نازل شد: ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ﴾ (بینه: ۷).^۲

۲. «ابن حجر» در کتاب «الصواعق المحرقة» از «الدار قطنی» می‌گوید که از «ام سلمه» نقل شده است که پیامبر اکرم ع فرمودند: «با علی، تو و اصحابت در بهشت هستید».^۳

۳. «نهایه ابن اثیر» نقل می‌کند که پیامبر اکرم ع به حضرت علی ع فرمودند: «به زودی تو و شیعیانت خدا را ملاقات خواهید کرد، درحالی که خداوند از شما راضی است و دشمن تو خدا را ملاقات خواهد کرد، درحالی که خدا بر او غضبناک است».^۴

۱. الملل و النحل، عبدالکریم شهرستانی، ج ۱، ص ۱۳۱.

۲. الدر المنثور، سیوطی، ج ۸، ص ۵۸۹.

۳. الصواعق المحرقة، ابن حجر هیثمی، ص ۹۶.

۴. نهایه، ابن اثیر، ج ۴، ص ۱۰۶؛ مجمع الزوائد، هیثمی، جزء ۹، ص ۱۳۱.

۴. «قال رسول الله صلى الله عليه وآله لعلي عليه السلام: أنت وشيعتك في الجنة!»؛ «رسول خدا صلى الله عليه وآله به علی عليه السلام فرمودند: تو و شیعیانت در بهشت هستید».

شیعه از نظر برخی اندیشمندان اسلامی

یاران علی عليه السلام، به عنوان اصحاب، اصفیاء، اولیاء و شیعه نامیده شده‌اند؛ افرادی مانند: «عمار یاسر»، «سلمان فارسی»، «مقداد بن اسود»، «ابوذر غفاری»، «ابولیلی»، «محمد بن ابی بکر»، «ابوسعید خدری»، «جابر بن عبدالله انصاری»، «براء بن عازب» «کمیل بن زیاد»، «میثم تمار»، «عبداله بن عباس» و برخی دیگر از صحابه رسول اکرم صلى الله عليه وآله و تابعین در شمار شیعیان علی عليه السلام قرار دارند.^۲

در زمان رسول خدا صلى الله عليه وآله گروهی را که دوست و یار وفادار امیرمؤمنان علی بن ابی طالب عليه السلام بودند، به نام شیعه می‌شناختند؛ اشخاصی مانند: سلمان فارسی، ابوذر غفاری، مقداد بن اسود، عمار یاسر و دیگران. از آن زمان تا امروز به هرکسی که به برتری امام علی عليه السلام معتقد است، شیعه می‌گویند؛ بنابراین هر کس در این حقیقت که شیعیان پیروان حقیقی علی عليه السلام هستند و یا در اینکه؛ رسول خدا صلى الله عليه وآله علی و پیروانش را تایید کرده، شک کند، خواسته یا ناخواسته منکر سخن و سیره رسول خدا صلى الله عليه وآله شده است.

«ابوزهره» از «ابن ابی الحدید» نقل می‌کند:

عده‌ای از صحابه، عقیده شیعه را در مورد علی عليه السلام داشتند. و علماً و فضلاً علی عليه السلام را بر تمام صحابه مقدم می‌دانستند. این افراد عبارت بودند از: عمار بن یاسر، مقداد بن اسود، ابوذر غفاری، سلمان فارسی، جابر بن عبدالله انصاری، ابی بن کعب، حذیفه بن یمان،

۱. شواهد التنزیل، حاکم حسکانی، ج ۱، ص ۴۱۴؛ مجمع الزوائد، الهیثمی، ج ۹، ص ۱۷۳.

۲. الرجال، احمد بن ابی عبدالله البرقی، ص ۱.

بریده، ابن خضیر همدانی، ابویوب انصاری، سهل بن حنیف، عثمان بن حنیف، مالک بن تیهان، اویس قرنی و عباس بن عبدالمطلب و فرزندان او از بنی هاشم.^۱

«مصطفی کامل شیعی» درباره ماهیت تشیع می‌گوید: «جوهر تشیع، ایمان به حق، منصوص و الهی حضرت علی علیه السلام در امامت و افضلیت او بر همه صحابه می‌باشد».^۲

«شهید محمدباقر صدر» می‌نویسد: «تشیع را باید نتیجه طبیعی اسلام و نمایان‌گر اصولی بدانیم که لازم بود دین اسلام در راه رسیدن به کمال مطلوب خود به طرح آن بپردازد».^۳

از نظر «علامه طباطبایی» شیعه به کسانی گفته می‌شود که جانشینی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را مختص به اهل بیت علیهم السلام می‌دانند و در فراگیری معارف اسلام، پیرو مکتب اهل بیت علیهم السلام هستند. به گفته وی شیعه طایفه‌ای از مسلمانان است که به دلیل مخالفت‌های اکثریت، نسبت به مسلمات کتاب و سنت، در مقام اعتراض و انتقاد برآمده است. هدف آنها از این انتقاد، دفاع از نصوص مسلمه‌ای بود که با آن ولایت عموم مسلمانان به امیر مؤمنان علی علیه السلام سپرده می‌شد. نصوصی که با آن اهل بیت پیغمبر صلی الله علیه و آله، پیشوایان دین و مرجع جمیع شئون علمی و عملی اسلام معرفی می‌شدند و همین نصوص هم‌اکنون نیز به نحو تواتر در دست فریقین - اهل سنت و شیعه - است.^۴

مرحوم «محمد حسین مظفر» نویسنده تاریخ شیعه چنین می‌نویسد:

شیعه بعد از این که آیه: ﴿أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ﴾ (شعراء: ۲۱۴) نازل شد، شروع گردید. به این جهت که نبی اکرم صلی الله علیه و آله بنی هاشم را جمع کرد و فرمود: «ایکم یوازرني

۱. تاریخ المذاهب الاسلامیه، محمد ابو زهره، ج ۲، ص ۳۶.

۲. الصلّه بین التّصوّف و التّشیع، کامل مصطفی الشیبی، ج ۱، ص ۲۱.

۳. تشیع مولود طبیعی اسلام، سید محمدباقر صدر، ترجمه: علی حجتی کرمانی، ص ۸۲.

۴. شیعه در اسلام، سید محمدحسین طباطبائی، ص ۲۵ و ۲۶.

لیکون اخي و وارثي و وزيری و وصی و خلیفتی فیکم بعدی؟» جز علی علیه السلام، کسی به درخواست آن حضرت جواب نداد. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «هذا اخي و وارثي و وزيری و وصی و خلیفتی فیکم بعدی فاسمعوا و اطیعوا»^۱.

سخن و منطق شیعه

سخن شیعه این است که مرجع علمی و دینی مسلمانان پس از پیامبر صلی الله علیه و آله ائمه اهل بیت علیهم السلام هستند و ما نمی‌توانیم معالم دینی خود را از غیر اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله فرا بگیریم و این حقیقتی آشکار است که از حدیث ثقلین که اهل سنت و شیعه به درستی و قطعی‌الصدور بودن آن اذعان دارند، درمی‌یابیم و جز دشمنان خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله نمی‌توانند، این کلام قطعی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را که به تمسک به قرآن و اهل بیت توصیه نموده انکار نمایند.

اعتقاد شیعه درباره امام علی علیه السلام

از دیدگاه شیعه، علی علیه السلام عبد صالح و مطیع خدا و رسول و وصی و خلیفه برحق و بلافضل پیامبر است. باور شیعه درباره علی علیه السلام چیزی نیست جز آنچه که پیامبر درباره ایشان فرموده‌اند. شیعه معتقد است که امام علی علیه السلام پس از پیامبر صلی الله علیه و آله، تنها فرد شایسته مقام جانشینی، خلافت و امامت امت بود؛ زیرا در واقع امامت منصبی مهم و جانشینی رسالت است و امام و خلیفه رسول باید همانند جانشینان پیامبران پیشین واجد شرایطی خاص باشد.

شیعیان بر این باورند که امامت منصبی الهی است که تنها باید از راه نصب و نص الهی تعیین شود؛ در واقع امامت همان جانشینی نبوت، و بیانگر دین و رسالتی الهی است که خداوند آن را برای حفظ دستاوردهای اسلام و اجرای حدود و احکام الهی

۱. تاریخ الشیعه، محمدحسین مظفر، ص ۴۱.

جعل و معین می‌نماید.^۱

از دیدگاه شیعه امام و خلیفه باید معصوم باشد و اگر معصوم نباشد، او نیز مانند سایر امت است و امکان انحراف در دین و گمراه ساختن مردم وجود دارد. تنها با عصمت است که معتمد و مقبول و شایسته اطاعت می‌گردد و اطاعت او می‌تواند در طول اطاعت خدا باشد. همچنین طبق تصریح قرآن کریم، خلیفه و امام نمی‌تواند ظالم باشد. بلکه امام و راهنمای امت باید معصوم باشد. شیعیان معتقدند که از نگاه تعالیم کتاب و سنت، امامت تنها شایسته انسان پاک، معصوم، راسخ در علم و صالح‌ترین و داناترین افراد امت است؛ از این رو تنها امامت اهل بیت را می‌پذیرند که به نص قرآن و سنت، معصوم از همه انحرافات و گناهان هستند.

بی‌شک از نگاه قرآن کریم، همه پیامبران و جانشینان آنها که عهده‌دار رسالت و حفظ دین و هدایت مردم هستند، باید معصوم باشند و این حکم و شرطی است که خداوند معین فرموده است و می‌فرماید: ﴿لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ﴾ (بقره: ۱۲۴) پس عصمت شرط اساسی برای امامت است. به تصریح قرآن کریم، اهل بیت علیهم‌السلام تنها افراد معصوم امت هستند و مصداق اهل بیت علیهم‌السلام را نیز رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به روشنی مشخص و بیان فرموده‌اند.

مستند بودن دیدگاه شیعه به آیات و روایات

اعتقاد شیعه، اعتقادی برگرفته از قرآن و توصیه‌های رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است و در واقع، شیعه سخن و عقیده‌ای منطبق با قرآن و برهان دارد.

خداوند در قرآن کریم درباره الهی بودن منصب و شأن امامت می‌فرماید: ﴿وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ...﴾ (انبیاء: ۷۳)؛ ﴿وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ﴾ (سجده: ۲۴).

۱. ﴿إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ...﴾ (بقره: ۳۰)؛ ﴿يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ﴾ (ص: ۲۶).

همچنین می فرماید: ﴿أَوْرُثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ أَصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ يُأْذِنُ اللَّهُ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ﴾ (فاطر: ۳۲).

سخن شیعه همان سخن قرآن است؛ یعنی امامت باید به نصب، جعل و تعیین الهی باشد. به نص صریح قرآن کریم، شأن امامت، وراثت کتاب و تداوم رسالت و راه پیامبران الهی است؛ از این رو تنها بندگان برگزیده خدا می توانند، وارث کتاب و راه انبیاء الهی باشند. آیا بعد از پیامبر این سنت وراثت کتاب متوقف می شود؟ اگر کسی به راستی پیرو قرآن باشد باید باور داشته باشد که امامت عهد و منصبی الهی است و هرگز حق نصب و تعیین امام به عنوان عهد و وراثت پیامبران در اختیار مردم نبوده و نیست و نیز باور داشته باشد که خداوند امامت افراد ظالم و غیر معصوم را نفی می نماید و می فرماید: ﴿لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ﴾ (بقره: ۱۲۴).

سخن شیعیان این است که وارث کتاب پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تنها امام معصوم است، نه فرد غیر معصوم، از این رو شیعه عصمت را برای امام که وارث رسول خدا و حافظ و مفسر کتاب و هادی امت است، شرط می داند. حال باید دید، سخن شیعه مطابق قرآن و سنت است یا سخن عالمان اهل تسنن که هر فردی از صحابه را مستحق امامت و پیشوایی می دانند و به خدا و رسول افترا می بندند که درباره امر امامت سکوت نموده اند! همچنین ادعا می کنند که لازم نیست امام و اولوالامر، اعلم امت و معصوم باشد. آیا خداوند اطاعت از امام ظالم و غیر معصوم را واجب نموده است؟ حال آنکه خدای متعال در قرآن کریم می فرماید: ﴿لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ﴾ (بقره: ۱۲۴).

شیعه ولایت را ضروری و واجب می داند و آن را موجب حفظ دین از تحریف و تعطیل، و موجب عزت امت و اعتلای کلمه خدا در جهان می داند و معتقد است که خداوند به صراحت امامت را امری الهی می داند که تنها به بندگان صالح، برگزیده، معصوم و عالم به حقایق دین واگذار شده است، نه افراد عادی امت.

خداوند می‌فرماید: ﴿أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾ (نساء: ۵۹). آیا ممکن است ادعا کنیم که خدا هم به اطاعت خود و پیامبری که معصوم از هر خطا و گناه است، امر نموده و هم به اطاعت از هر اولوالامری؟ آیا معقول و شایسته است که برای توجیه کسانی که حق الهی اهل بیت علیهم‌السلام را غصب نموده‌اند، این نسبت‌های ناروا را به خدا و رسول بدهیم؟!

خداوند می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾ (مائدة: ۵۵).

آیا ممکن است که خدای متعال خود و رسولش را ولی مؤمنان معرفی کند و در کنار آن پذیرش ولایت هر فردی را هم مجاز بداند؟

﴿قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ (بقره: ۱۱۱)؛ ما معتقد به ولایت خدا و رسول و کسانی هستیم که خدا و رسول آنان را مطهر و معصوم و وارث کتاب و خلیفه رسول معرفی نموده‌اند، اما دیگران امامت و ولایت افراد غیر معصوم را ترجیح داده‌اند.

آیا در این اصل مهم که هدایت‌کننده به سوی خدا، خود باید هادی باشد، انسان مسلمان عاقل می‌تواند شک کند؟ اگر این اصل قرآنی را بپذیریم، نتیجه آن است که در فراگیری دین و امر هدایت نمی‌توان به هر فردی مراجعه و از او طلب هدایت و معارف دین نمود. از نگاه قرآن، انسان همواره به هدایت و هدایت‌کننده و مرجعی برای فراگیری معارف دین و کشف راه حق و نجات نیاز دارد و از همین رو خداوند از روی لطف و رحمت و هدایت خود این سنت را در همه ادیان و امت‌ها قرار داده تا باید در بین مردم پیامبر یا جانشین او (حجت الهی) باقی باشند، و این سنت الهی قطعی و تخلف‌ناپذیر است. از سوی دیگر نیز با تعالیم و منطق قرآن، رسول و جانشین او که رسالت هدایت مردم را به سوی خدا بر عهده دارند، باید شرایط خاصی، مانند علم لدنی و عصمت داشته باشند و معارف دین و تفسیر حقایق وحی را بی‌کم و کاست و بدون اشتباه دریابند و همچنین در بالاترین

درجه هدایت‌یافتگی و ایمان باشند؛ یعنی اهل گناه و انحراف در عقیده و عمل نباشند. شیعه امام علی علیه السلام را با تعلیم قرآن کریم، مصداق حقیقی «خیر البریه» می‌داند. «حاکم حسکانی»^۱ حدود بیست روایت با اسناد مختلف و نیز «شوکانی»^۲ چندین روایت در این باره نقل کرده‌اند که مراد از «خیر البریه» در آیه شریفه سوره بینه، علی علیه السلام است. همچنین «سیوطی»^۳ این توصیف را مختص علی علیه السلام می‌داند.

در احادیث نبوی به صراحت آمده است: «یا علی انت منی بمنزلة هارون من موسى الا انه لانی بعدی»^۴.

باور شیعه درباره علی علیه السلام برگرفته از توصیه خدا و رسول است. به روایت پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، علی علیه السلام اعلم امت به کتاب الله و افضل خلق و بهترین فرد امت، برادر و وزیر و خلیفه پیامبر است.

شیعیان امام علی علیه السلام را امام منصوب و تعیین شده از جانب خدا و رسول صلی الله علیه و آله و سلم و واجب الموده و واجب الإطاعة می‌دانند؛ زیرا معتقدند که قرآن و پیامبر مسلمانان را به اطاعت اولوالامر و پاکان امر نموده‌اند و اهل بیت علیهم السلام را مطهر، راسخ در علم، اوتوا العلم و اهل الذکر دانسته و محبت و دوستی آنان را واجب می‌دانند.

آیا در قرآن و روایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که مهم‌ترین منابع فراگیری دین و اعتقادات هر مسلمانی هستند، توصیه و نصی درباره امامت و شان و فضایل علی علیه السلام آمده است یا خیر؟

۱. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۴۵۹.

۲. فتح القدیر، ج ۵، ص ۴۷۷.

۳. الدر المنثور، ج ۶، ص ۳۷۹.

۴. این حدیث در سنن ترمذی، ج ۳، ص ۲۱۴؛ صحیح ابن ماجه، ج ۱، ص ۲۶؛ صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۱۹؛ مسند احمد، ج ۳، ص ۱۲۴.

منصوص بودن امام

شیعه برای اثبات لزوم پذیرش ولایت و مودت علی علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام به قرآن و سنت تمسک می‌جوید.

از نگاه شیعه امام باید منصوص باشد و تنها خداوند که عالم به عالم غیب و شهود، و آگاه از دل و احوال بندگان است، می‌تواند امام بر حق و هادی را تعیین نماید.

شیعیان معتقدند که محال است، پیامبر درباره سرنوشت امت، پس از خود سکوت کند و براساس آیه شریفه: ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ﴾، (مائده: ۶۷) رسول اکرم صلی الله علیه و آله وظیفه داشته است که همچون پیامبران پیشین برای خود جانشین تعیین کند. از دیدگاه شیعه امر امامت، وصایت و خلافت پیامبر امری نیست که حق انتخاب و تعیین آن به مردم سپرده شده باشد. کسانی که ادعا می‌کنند: ما تابع کتاب و سنت هستیم؛ براساس کدام دستور خدا و رسول خلیفه تعیین کردند؟

وهابیان و اهل تسنن بر این باورند که پیامبر هیچ سخنی درباره جانشین خود و سرنوشت امت بیان ننموده است. آیا آنان در نزد خدا و رسول می‌توانند، بگویند که ابوبکر بهترین صحابه و اعلم امت به کتاب و سنت بود؟ آیا می‌توانند، ادعا کنند که خدا و رسول به امامت و خلافت ابوبکر راضی بودند و یا در کتاب خدا و سنت رسول توصیه‌ای به حق وصایت، ولایت و خلافت او هست؟

به طور قطع در کتاب و سنت آیه و روایتی نیست که در آن خدا و رسول، انتخاب ابوبکر را برای خلافت توصیه کرده باشند؛ بنابراین خدا و رسول درباره تعیین خلیفه

سکوت نکرده‌اند و مسلمان و پیرو حقیقی قرآن و سنت هرگز نمی‌تواند، آیات و روایات فراوانی که به گفته مفسران و محدثان اهل سنت درباره شأن و منزلت علی (علیه السلام) و حق ولایت اوست را نادیده بگیرد. روایاتی که در آنها علی (علیه السلام) را ولی هر مؤمن و مؤمنه و جانشین، وزیر، خلیفه، معیار حق، میزان ایمان و موجب هدایت و نجات امت و ولایت او را نشانه ایمان، و محبت به او را واجب و موجب نجات می‌دانند. همچنین روایاتی که در آن پیامبر (صلی الله علیه و آله) را همواره با حق و در کنار قرآن و اعلم امت و نیز خیرالبریه معرفی می‌نمایند و دهها توصیف و توصیه دیگر از پیامبر که نه می‌توان آنها را کتمان کرد، نه تأویل.

«اجمع المسلمون کلهم علی اختلاف آرائهم وتباین اهوائهم وتضارب مذاهبهم علی امامة علي بن ابي طالب بعد رسول الله»؛ تمامی شیعیان اعتقاد به امامت بلافصل علی (علیه السلام) دارند و اهل سنت در استحقاق امامت او بعد از عثمان متفق القول هستند.^۱

بنابراین باور شیعه درباره علی (علیه السلام) ناشی از باور به رهنمودها و توصیه‌های خدا و رسول گرامی اسلام درباره منزلت علی (علیه السلام) است. انسان مؤمن با وجود رهنمودها و توصیه‌های فراوان خدا و رسول چگونه می‌تواند امامت و ولایت غیر علی را بپذیرد؟ آیا توصیه و هدایتی روشن‌تر از این سخن پیامبر (صلی الله علیه و آله) می‌توان یافت که فرمودند:

«سَلِّمُوا عَلِيَّ بِأَمْرَةِ الْمُؤْمِنِينَ، وَهَذَا خَلِيفَتِي فِيكُمْ بَعْدِي فَاسْمَعُوا لَهُ وَاطِيعُوا».^۲

همچنین می‌فرمایند:

۱. مناظرات عقائديه بين الشيعة والسنة، سيد امير محمد الكاظمي القزويني، ص ۲۴.
۲. تاريخ طبري، ج ۲، ص ۳۲۱؛ تفسير طبري، ج ۱۹، ص ۱۲۱؛ تفسير بغوي، ج ۳، ص ۳۴۳؛ مسند احمد حنبل، ج ۴، ص ۲۸۱؛ الصواعق ابن حجر، ص ۲۶؛ حياة علي بن ابي طالب، الشنقيطي، ص ۲۸؛ تفسير الكبير، فخر رازي، ج ۳، ص ۶۳۶؛ النهاية، ابن اثير، ج ۴، ص ۲۴۶؛ كفاية الطالب، گنجي، ص ۱۶؛ فرائد السمطين، جويني، باب ۱۳؛ التذكرة، ابن جوزي، ص ۱۸.

أَيُّ تَارِكٍ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابِ اللَّهِ وَعِترَتِي فَاَنْ تَمَسَّكُمْ بِهَا لَنْ تَضَلُّوا أَبَدًا وَلَنْ يَفْتَرِقَا
حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضِ.^۱

من دو چیز گران‌بها را در بین شما به ارث می‌گذارم، کتاب خدا و عترتم را و اگر به این دو تمسک بجوید، هرگز گمراه نمی‌شوید و این دو از هم جدا شدنی نیستند تا در روز قیامت و کنار حوض بر من وارد شوند.

و نیز آن حضرت فرموده است: «مثل اهل بیتی مثل سفینه نوح من ركبها نجا و من تركها غرق هلك»؛^۲ مثل اهل بیت من مثل کشتی نوح است که هر کس بر آن سوار شد، نجات می‌یابد و اگر آن را ترک کرد، غرق و هلاک می‌شود.

و همچنین فرموده‌اند: «من اطاعني فقد اطاع الله و من عصاني فقد عصى الله و من اطاع علياً فقد اطاعني و من عصى علياً فقد عصاني».^۳

برادران اهل سنت برای توجیه عملکرد خلفا و ماجرای شورای سقیفه حاضرند به کتاب خدا و سخنان رسول او پشت کنند و در راستای این هدف، ادعا می‌کنند که هیچ نص و توصیه‌ای از رسول اکرم ﷺ درباره امامت علی عليه السلام و اهل بیت وجود ندارد. ما برای اثبات نادرستی روش و موضع تاریخی اهل سنت، بار دیگر سخنان و توصیه‌های رسول اکرم ﷺ را از کتاب‌های معتبر آنان استخراج می‌کنیم و پیش روی آنها می‌گذاریم

۱. صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۲۲؛ سنن ترمذی، ج ۲، ص ۳۰۷ و ج ۵، ص ۳۲۸؛ خصائص نسائی، ص ۳۰؛ مسند امام حنبل، ج ۳، ص ۱۴ و ۱۷، ج ۴، ص ۲۶ و ۵۹، ج ۵، ص ۱۸۲ و ۱۸۹؛ مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۱۰۹ و ۱۴۸؛ حلیة الاولیاء، ابونعیم اصفهانی، ج ۱، ص ۳۵۵؛ تذکره، سبط ابن جوزی، ص ۱۸۲.

۲. فضائل الصحابة، أحمد بن حنبل، ج ۲، ص ۷۸۵؛ المستدرک للحاکم و بذیله التلخیص للذهبی، ج ۲، ص ۳۴۳؛ المعجم الکبیر، ج ۳، ص ۴۵ و ۴۶؛ المعجم الأوسط، ج ۴، ص ۱۰، ج ۵، ص ۳۵۴ و ۳۵۵، ج ۶، ص ۸۵؛ المعجم الصغیر، ج ۱، ص ۱۳۹ و ۱۴۰، ج ۲، ص ۲۲. حاکم نیشابوری نیز در مستدرک پس از بیان این روایت گفته

است: «حدیث صحیح علی شرط مسلم ولم یخرجاه».

۳. المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۲۱.

تا دوباره تکلیف خود را با خدا و رسول او روشن و میزان ایمان و تعبد خود را ارزیابی کنند و ببینند قول خدا و رسول را می‌پذیرند یا قول و فعل صحابه را بر توصیه‌های خدا و رسول مقدم می‌دانند؟!

دلایل شیعه برای اثبات امامت علی علیه السلام

الف) دلایل و شواهد قرآنی

شیعیان برای اثبات امامت امام علی بن ابی طالب علیه السلام و برتری ایشان به آیات فراوانی از قرآن استدلال کرده‌اند.

«شرف الدین» در کتاب «المراجعات» برای اثبات رهبری دینی امامان شیعه و به ویژه امام علی علیه السلام به شصت آیه قرآن استناد می‌کند^۱ که در منابع مهم حدیثی و تفسیری اهل سنت به روشنی به آن‌ها اشاره شده است و این آیات درباره شأن و فضایل علی علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام نازل شده‌اند. در اینجا به سه آیه از این آیات اشاره می‌کنیم:

۱. آیه تطهیر: خدای سبحان در سوره احزاب می‌فرماید: ﴿... إِنَّمَا يَرِيْدُ اللّٰهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ اَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً﴾ (احزاب: ۳۳)؛ «خداوند اراده کرده پلیدی (گناه) را از شما اهل بیت [پیامبر] دور کند و کاملاً شما را پاک سازد».

روش استدلال شیعه به آیه تطهیر برای اثبات امامت امام علی علیه السلام و عصمت اهل بیت علیهم السلام:

شیعیان معتقدند که مفهوم آیه تطهیر به فلسفه و هدف رسالت و امر هدایت خلق اشاره دارد و اینکه اراده الهی به این تعلق گرفته است که تنها پاکان و صالحان حق ولایت و هدایت انسان را دارند؛ از این رو شیعه با استدلال به آیه تطهیر، امامت را

۱. المرجعات، سید شرف الدین موسوی، مراجعه ۱۲، صص ۵۱ - ۳۸.

مخصوص امام علی علیه السلام و فرزندان معصوم او می‌داند. و شرط لازم برای امامت را عصمت می‌داند و عصمت امام را با دلایل عقلی و آیات و روایات نبوی ثابت می‌کند؛ بنابراین با توجه به آیه «لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» و آیه تطهیر، ضرورت عصمت امام و مصداق اهل بیت معصوم که شایستگی امامت دارند را درمی‌یابیم.

۲. آیه ولایت: آیه ولایت، آیه ۵۵ سوره مبارکه مائده است که می‌فرماید: «سرپرست و ولی شما، تنها خدا و پیامبر او و آنانند که ایمان آورده‌اند؛ آنانی که نماز به‌پا می‌دارند، و در حال رکوع، زکات می‌دهند»^۱ با توجه به شأن نزول آیه، این آیه فقط یک مصداق دارد و آن علی علیه السلام است.

این آیه، قوی‌ترین و محکم‌ترین دلیل شیعه بر ولایت علی علیه السلام است. در تمام تفاسیر آمده که این آیه در حق امیرالمؤمنین علیه السلام نازل شده است. به گفته همه مفسران و عالمان شیعه و اغلب عالمان اهل تسنن، آیه ولایت درباره علی علیه السلام نازل شده است. از نگاه شیعه جای هیچ تردیدی نیست که هنگامی که علی علیه السلام انگشتر خود را در نماز به فقیر صدقه دادند، آیات ۵۵ و ۵۶ سوره مائده درباره آن حضرت نازل شده است.^۲

۱. درالمنثور، سیوطی، ج ۲، ص ۲۹۳؛ تفسیر ابن کثیر، ج ۲، ص ۷۳؛ تفسیر قرطبی، ج ۶، ص ۲۲۱؛ قاضی عضالدین ایچی که از بنیان‌گزاران کلام اهل سنت است، و متوفای ۷۵۶، می‌گوید: و أجمع ائمة التفسیر أن المراد علی علیه السلام. پیشوایان علم تفسیر اجماع دارند که مراد از این آیه علی علیه السلام است؛ شرح مقاصد تفتازانی، ج ۵، ص ۱۷۰ و شرح تجرید قوشجی، ص ۳۶۸؛ آلوسی نیز در تفسیرش می‌گوید: غالب الأخباریین علی أن هذه الآية نزلت فی علی کرم الله وجهه. غالب محدثین و اخباریین بر این هستند که این آیه در حق علی علیه السلام نازل شده است. روح المعانی آلوسی، ج ۶، ص ۱۶۸.

۲. در منابع شیعه این مطلب، افزون بر جمع کثیری از صحابه و تابعین از رسول اکرم صلی الله علیه و آله از لسان مبارک امام علی علیه السلام، امام حسین، علی بن الحسین، محمد بن علی الباقر، جعفر بن محمد الصادق، علی بن موسی الرضا و ابو محمد العسکری علیه السلام، نیز نقل شده است. ر.ک: محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۵، صص ۱۸۳ - ۲۰۶؛ شیخ حسین راضی، (پیوست کتاب المراجعات)، صص ۲۸۳ و ۳۸۴؛ علی بن طاووس، سعد السعود، ص ۱۹۲ می‌گوید: «در کتاب تفسیر محمد بن العباس بن-علی بن مروان، دیدم نزول این آیه را درباره امام علی علیه السلام از نود طریق آورده است.»

استدلال شیعه به آیه ولایت

«علامه شرف الدین» صاحب «المراجعات» نیز می‌گوید: «احادیث صحیح و متواتر دلالت دارند، بر اینکه آیه ولایت در شأن علی علیه السلام نازل شده؛ هنگامی که علی علیه السلام انگشتر خود را در حال رکوع به سائل صدقه داد».

وی در تفسیر آیه ولایت می‌گوید: واژه «ولی» در اینجا به معنای ولایت در تصرف است. کاربرد واژه امامت در معنای ولایت، مانند این است که بگوییم، فلانی «ولی» محجور است؛ بنابراین «ولی» کسی است که امور شما را سرپرستی می‌کند و در این امر از خود شما مقدم‌تر است و تنها خدا و رسول او و علی که معصوم است، چنین ولایتی را دارند؛ زیرا اوست که ایمان، اقامه نماز و دادن زکات در حال رکوع در وی جمع شده است و این آیه درباره او نازل گردید و خدا در این آیه ولایت را برای خود و پیامبرش و علی، بر سیاقی یکسان، ثابت کرده و چون ولایت خدا ولایت عام است، ولایت پیامبر و «ولی» نیز، مانند آن و بر همان شیوه است. به این ترتیب ولایت مذهبی، معنوی و خلافت سیاسی امام علی بن ابی‌طالب علیه السلام در نظریه ولایت به اثبات می‌رسد.^۱

اسامی صحابه‌ای که این حادثه را نقل کرده‌اند؛ از این قرار است: «عبدالله بن عباس»، «ابورافع مدنی»، «عمار بن یاسر»، «ابوذر غفاری»، «انس بن مالک»، «جابر بن عبدالله»، «مقداد بن الاسود» و «عبدالله بن سلام». از تابعین نیز، «سلمه بن کهیل»، «عتبه بن ابی‌حکیم»، «سدی»، «مجاهد» و... به نقل این حادثه پرداخته‌اند. به گفته همه آنان این آیه درباره امام علی علیه السلام نازل شده است.^۲

۱. المرجعات، شرف الدین، ص ۱۵۸.

۲. المعجم الاوسط، سلیمان طبرانی، ج ۷، ص ۱۳۰؛ فرائد السمطین، محمد جوینی، به تحقیق محمد باقر محمودی، ج ۱، ص ۱۹۴، ح ۱۵۳؛ شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۲۲۳؛ در المنثور، سیوطی، ج ۳، ص ۱۰۵.

«محمد بن عبدالله اسکافی» (م ۲۴۰ ق) نیز می‌گوید که آیه ولایت درباره امام علی علیه السلام نازل شده است.^۱ «نیشابوری» در تفسیرش^۲ و «عبدالرحمن ایجی» در «المواقف فی علم الکلام» نزول این آیه را درباره امام علی علیه السلام و مورد اجماع مفسران می‌دانند. «آلوسی» نیز می‌نویسد:

غالب اخباریین بر این باورند که این آیه درباره علی - کرم الله وجهه - نازل شده است و حاکم نیشابوری و ابن مردویه و دیگران با سند متصل، از ابن عباس [و دیگران] این حادثه را نقل کرده‌اند.^۳

«عطا» از ابن عباس نقل کرده است که این آیه درباره علی علیه السلام نازل شده است و نیز روایت می‌کنند که چون این آیه نازل شد، عبدالله بن سلام به رسول خدا صلی الله علیه و آله گفت: «من علی علیه السلام را در حال رکوع دیدم که انگشترش را به نیازمند صدقه داد. پس ما ولایت وی را می‌پذیریم» از ابوذر نیز روایت شده که گفته است:

با رسول خدا صلی الله علیه و آله نماز ظهر گزاردم و نیازمندی در مسجد چیزی خواست و کسی به او کمک نکرد ... و علی علیه السلام در حال رکوع به انگشت کوچک که در آن انگشتری بود، اشاره کرد و سائل آن را درآورد ... و رسول خدا مشغول دعا شدند و به خدا سوگند هنوز دعای ایشان پایان نیافته بود که جبرئیل نازل شد و گفت یا محمد صلی الله علیه و آله بخوان: ﴿إِنَّمَا وَلَيْكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ...﴾^۴

۳. خداوند در آیه تبلیغ می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ...﴾ (مائده: ۶۷)

۱. المعيار والموازنة، محمد اسکافی، ص ۲۲۸.

۲. تفسیر نیشابوری، ج ۶، ص ۱۶۹.

۳. تفسیر آلوسی، محمود آلوسی، ج ۴، ص ۲۴۵.

۴. تفسیر الکبیر، فخر الدین الرازی، ج ۱۲، ص ۲۶.

ای پیامبر آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است، کاملاً بر مردمان برسان؛ و اگر چنین نکنی، رسالت او را انجام نداده‌ای. خداوند تو را از شر مردم، نگاه می‌دارد.

به گفته شرف الدین، این آیه نص آشکاری است که بیان می‌کند اگر پیامبر صلی الله علیه و آله وفات کند و علی علیه السلام را به جانشینی خویش تعیین ننمایند، کاری ناشایست انجام داده است؛ بنابراین آیه تبلیغ ثابت می‌کند که پیامبر از سوی خداوند مأمور معرفی علی علیه السلام به جانشینی خود بوده است و انجام این رسالت از چنان اهمیتی برخوردار بوده که خداوند به پیامبر درباره کوتاهی در این ابلاغ هشدار می‌دهد و او را از سستی برحذر می‌دارد.^۱

بنابراین با توجه به مسئولیت رسول خدا صلی الله علیه و آله در معرفی امام و جانشین برای خود و با توجه به احادیثی که از اهل سنت و شیعه درباره شأن نزول این آیه فوق آمده، بی‌تردید رسول اکرم صلی الله علیه و آله، علی علیه السلام را ولی و امام تعیین نموده است.^۲

ب) احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله

دومین دسته از استدلال‌ها و مستندات شیعه، روایات پیامبر صلی الله علیه و آله است. شیعیان برای اثبات درستی باور خود، مضاف بر قرآن و روایت مسلم اهل بیت (منابع روایی خود)، به منابع اهل سنت نیز استناد می‌کنند. در اینجا به چند روایت معتبر نقل شده از پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره می‌نماییم:

۱. المراجعات، ص ۴۲.

۲. واقعه غدیر در منابع اهل سنت، از چندین نفر از صحابه و تابعین و گاهی هر کدام با چند طریق نقل شده است. در برخی از این منابع، اسانید و طرق گوناگون نقل این حادثه بالغ بر ۲۶ طریق می‌شود. شواهد التنزیل، عبیدالله حسکانی، ج ۱، صص ۲۰۱ - ۲۰۳، ۲۲۳، ۲۳۹، ۲۵۱ - ۲۵۶، ۴۰۲، ج ۲، صص ۳۵۱، ۳۸۱، ۳۸۵ - ۳۹۰، ۳۹۲؛ الکشف و البیان فی تفسیر القرآن، احمد ثعلبی، مخطوط، ج ۴، ص ۹۲ و ج ۱۰، ص ۳۵؛ فرائد السمطین، ج ۱، ص ۱۹۱، حدیث ۱۵۱؛ تذکره الخواص، یوسف سبط بن جوزی، ص ۴۱ (به نقل از ثعلبی)؛ التفسیر الکبیر، ج ۱۲، ص ۲۶؛ المراجعات، سید شرف الدین، ص ۴۲ و ۱۳۱.

حدیث «دار»: حدیث «دار» به یکی از رویدادهای صدر اسلام اشاره دارد که طی آن پیامبر ﷺ پیش از آشکار شدن اسلام در مکه به فرمان آیه شریفه «و خاندان خود را انذار ده»، خانواده خود را به دین اسلام دعوت کردند، اما به‌جز امام علی علیه السلام کسی به پیامبر ﷺ پاسخ مثبت نداد؛ اینجا بود که پیامبر ﷺ فرمودند: «این مرد برادر و وصی و خلیفه من در میان شما است، پس به او گوش فرا دهید و او را فرمان برید»^۱.
به گفته «حاکم حسکانی» در «شواهد التنزیل»، «براهن غایب» می‌گوید:

هنگامی که آیه «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» (شعرا: ۲۱۴) نازل شد، پیامبر ﷺ بنی‌عبدالمطلب را که چهل نفر بودند، جمع کرد و غذایی برای آنها فراهم ساخت و فرمودند: به نام خدا نزدیک شوید و بخورید، سپس ظرفی از شیر آوردند و فرمودند که به نام خدا بنوشید. فردا نیز آنها را دعوت کرد و غذا و نوشیدنی فراهم ساخت، سپس آنها را انذار و بشارت دادند و فرمودند که من دنیا و آخرت را برای شما آورده‌ام، اسلام بیاورید و اطاعت کنید تا هدایت شوید، سپس فرمودند: «وَمَنْ يُوَاخِنِي (مِنْكُمْ) وَ يُوَازُرُنِي يَكُونُ وَلِيًّا وَ وَصِيًّا بَعْدِي وَ خَلِيفَتِي فِي أَهْلِي وَ يَقْتَضِي دِينِي»؛ «چه کسی از شما حاضر است، با من برادری کند و مرا یاری نماید و بعد از من وصی و جانشین من در خانواده‌ام باشد، و دین مرا ادا کند؟» همه خاموش ماندند، این سخن را سه بار تکرار فرمودند و همچنان همه خاموش بودند، ولی علی علیه السلام می‌فرمودند که من این کار را می‌کنم. پیامبر ﷺ فرمودند که تو خواهی بود. جمعیت برخاستند و به ابوطالب می‌گفتند که برو اطاعت فرزندت علی را کن که محمد صلی الله علیه و آله و سلم او را امیر تو ساخت.^۲

«ابن اثیر» در کتاب «کامل» خود می‌گوید پیامبر ﷺ فرمودند: «أَيْكُمْ يُوَازُرُنِي عَلَى هَذَا الْأَمْرِ

۱. فضائل الخمسة فی الصحاح السنّة، سید مرتضی فیروز آبادی، ج ۲، صص ۱۹ - ۲۱؛ الغدير، علامه امینی، ج ۲،

صص ۲۷۸ - ۲۸۹.

۲. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۲۰.

علی آن یگونی آخی و وصیی و خلیفتی فیکم؛ «کدام یک از شما مرا یاری در این کار می‌کند تا برادرم و وصیم و جانشینم در میان شما باشد؟» پس از آنکه همه جواب منفی دادند یا ساکت شدند، علی علیه السلام عرض کردند: «أنا یا نبی الله اگون وزیرک علیه» و پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «ان هذا آخی و وصیی و خلیفتی فیکم فاسمعوا له و اطیعوا».

به عقیده شیعیان، این حدیث به وضوح جانشینی امام علی علیه السلام را ثابت می‌کند و منکران ولایت علی علیه السلام هیچ راهی برای رد آن ندارند. شیعه معتقد است که به فرض اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام رحلت، وصیتی درباره خلافت نکرده باشند، جانشینی امام علی علیه السلام از پیش اثبات شده بود.

حدیث منزلت: یعنی حدیث «یا علی انت منی بمنزله هارون من موسی»؛ این حدیث از روایاتی است که شیعه برای اثبات ولایت امام علی علیه السلام پس از پیامبر صلی الله علیه و آله به آن استناد می‌کند. براساس این حدیث؛ پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت خود به امام علی علیه السلام را همچون نسبت موسی به هارون دانستند و علی علیه السلام را خلیفه پس از خود قرار دادند.

مستندات حدیث منزلت در منابع اهل سنت:

۱. صحیح البخاری، ج ۳، ص ۲۳؛ ج ۴، ص ۱۷۶.
۲. صحیح مسلم، کتاب فضائل الصحابه، ج ۴، ص ۱۸۷؛ ج ۷، صص ۱۲۰ و ۱۲۱.
۳. مسند احمد بن حنبل، ج ۱، صص ۹۸، ۱۱۸، ۱۱۹، ۳۶۰، ۳۷۰، ۳۷۵، ۳۷۹، ۳۸۶، ۳۹۰ و ۳۹۱؛ ج ۳، صص ۵۰ و ۴۱۸؛ ج ۴، ص ۶۴؛ ج ۵، ص ۹۹.
۴. صحیح بخاری، ج ۳، باب غزوه تبوک، ص ۵۴.
۵. خصائص العلویة ابو عبدالرحمن نسائی، ص ۱۹.
۶. سنن الترمذی، ج ۵، صص ۳۰۲ - ۳۰۴؛ سنن ترمذی، ج ۱۲، ص ۱۹۳.
۷. الاصابه، ابن حجر عسقلانی، ج ۲، ص ۵۰۷.
۸. صواعق المحرقة، ابن حجر مکی، باب ۹، صص ۳۰، ۷۴.

۹. مستدرک، حاکم نیشابوری، ج ۲، ص ۳۳۷ و ج ۳، ص ۱۰۹.
۱۰. تاریخ الخلفاء، سیوطی، ص ۶۵.
۱۱. عقد الفرید، ابن عبد ربّه، ص ۱۹۴.
۱۲. الاستیعاب، ابن عبدالبر، ج ۲، ص ۴۷۳.
۱۳. سنن ابن ماجه، ج ۱، صص ۱۲۸ و ۲۰۸.
۱۴. مصنف ابن ابی شیبّه، ج ۸، ص ۵۶۲.
۱۵. سنن الکبری، بیهقی، ج ۹، ص ۴۰.
۱۶. معجم الکبیر، طبرانی، ج ۴، ص ۴.

حدیث تقلین: شیعه به این حدیث برای اثبات عصمت امامان دوازده گانه و لزوم تمسک به آنان استناد می‌کند. براساس این حدیث، پیامبر ﷺ پس از خود، دو امانت مهم و سرنوشت‌ساز را نزد امت اسلامی باقی گذاشته است؛ (قرآن و اهل بیت). شیعه از این روایت چنین برداشت می‌کند که اهل بیت علیهم السلام، عهده‌دار حفظ و بیان حقایق دین و سنت پیامبر و سالم نگاه داشتن آن از هر گونه تحریف هستند. اهل بیت بر اساس این حدیث، حافظان سنت و صادقان راستین هستند که طبق فرموده پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله راه نجات امت از انحراف و گمراهی، تمسک به این دو امانت الهی، یعنی قرآن و اهل بیت است.

حدیث تقلین در کتب بسیاری از عالمان عامه آمده است که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. در سنن «ترمذی» آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند:

انّی تارک فیکم ما ان تمسکتم به لن تضلوا بعدی، احدهما اعظم من الآخر، کتاب الله
حبل ممدود من السماء الی الارض و عترتی اهل بیتی، و لن یفترقا حتی یردا علیّ الحوض
فانظروا کیف تخلفونی فیها.^۱

۱. سنن ترمذی، ج ۱۲، ص ۲۵۸.

۲. در مسند «احمد» آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «من بعد از خود، دو خلیفه نزد شما به جا می گذارم: یکی، کتاب خدا و دیگری، اهل بیتم و این دو از هم جدا نمی شوند تا بر سر حوض بر من وارد شوند».^۱

۳. «طبرانی» از «زیدبن ارقم» نقل می کند:
هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله از حجة الوداع بازمی گشت، به غدیر خم رسید، در آنجا ضمن ایراد خطبه ای فرمود: نزدیک است که از جانب خدا دعوت شده و باید اجابت کنم، پس در میان شما دو چیز گرانبها و سنگین به جا می گذارم که یکی از دیگری بزرگ تر است: کتاب خدا و اهل بیتم. پس بنگرید که چگونه آنها را رعایت می کنید. آن دو از یکدیگر جدا نمی شوند تا بر سر حوض مرا ملاقات کنند.

سپس فرمود: خدا، مولای من است و من، ولی هر مؤمنی هستم. آنگاه دست علی علیه السلام را گرفت و فرمود: من کنت مولاه، فهذا علی مولاه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه. آنگاه زید می گوید: کسی در غدیر نبود مگر آنکه آنچه را که من می گویم، شنید و با چشمان خود دید.^۲

۴. حاکم نیشابوری در مستدرک نقل می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «ایها الناس انی تارک فیکم امرین لن تضلوا ان اتبعتموهما، هما کتاب الله و اهل بیته عترتی».^۳

۵. «ابن حجر» در «صواعق المحرقة» نقل می کند که پیامبر صلی الله علیه و آله در مرض وفاتش فرمود: «ایها الناس یوشک ان اقبض قبضاً سریعاً فیطلق بی و قد قدمت الیکم القول معذرة الیکم، الا انی خلف فیکم کتاب ربی عزوجل و عترتی اهل بیته - ثم اخذ بید علی فرفعها فقال: - هذا علی مع القرآن و القرآن مع علی، لا یفترقان حتی یردا علی الحوض...».^۴

۱. مسند احمد بن حنبل، ج ۴، ص ۱۳۴.

۲. المعجم الكبير، طبرانی، ج ۵، ص ۸۹.

۳. المستدرک، حاکم نیشابوری، ج ۳، ص ۱۰۹.

۴. صواعق المحرقة، ابن حجر مکی، ص ۷۵.



۶. «مسلم» در «صحیح» خود از «یزیدبن حیان» روایت می‌کند که گفت:

من و حصین بن سیره و عمر بن مسلم، نزد زید بن ارقم رفته و پس از پاره‌ای از سخنان، زید بن ارقم گفت: رسول خدا بین مکه و مدینه، در محلی به نام غدیر خم برخاست و پس از حمد و ثنای الهی و پند و اندرز مردم فرمود: اما بعد الا ایها الناس فانما انا بشر یوشک ان یأتی رسول ربی فاجیب و ائی تارک فیکم الثقلین اولهما کتاب الله فیه الهدی و النور فخذوا بکتاب الله و استمسکوا به. - فحث علی کتاب الله و رغب فیه، ثم قال: - و اهل بیتی اذکرکم الله فی اهل بیتی، اذکرکم الله فی اهل بیتی، اذکرکم الله فی اهل بیتی ...^۱

ای مردم! به‌زودی رسول پروردگار (عزرائیل) به سوی من آمده و باید اجابت کنم. در میان شما دو بار سنگین به امانت می‌گذارم: یکی، کتاب خدا که در آن هدایت و نور است، کتاب خدا را بگیرید. پیامبر به قرآن سفارش و ترغیب کرد. سپس فرمود: و اهل بیتم، خدا را به یاد داشته باشید درباره اهل بیتم و آن را سه بار فرمود.

بررسی سند حدیث:

حدیث ثقلین در درجه‌ای از قوت است که کسی نمی‌تواند در آن تردیدی کند؛ زیرا از نظر شیعه و سنی، به حد تواتر بلکه بیش از تواتر، رسیده است. نقل‌های مختلف با روایان متعدد که از دید دو فرقه معتبرند، مجالی برای انکار نمی‌گذارد؛ با این حال، ذکر برخی از روایان این حدیث، خالی از لطف نیست.

این حدیث چون از متواترات و قطعیات است، جماعت کثیری از اصحاب، آن را از رسول اکرم ﷺ نقل کرده‌اند؛ از قبیل: امام علی علیه السلام، ابوذر غفاری، جابر بن عبدالله انصاری، زید بن ارقم، ابوسعید خدری، زید بن ثابت، حذیفه بن اسید غفاری، عبدالله بن اخطب و ابوهریره.

۱. صحیح مسلم، ج ۲، ص ۴۴.

احمد بن حنبل در مسند خود، روایت را از زید بن ارقم، ابوسعید خدری و زید بن ثابت نقل می‌کند و حاکم نیشابوری در المستدرک و ترمذی در سنن، حدیث را از زید بن ارقم و صاحب کنز العمال نیز روایت را از ابن عباس نقل کرده‌اند.

حدیث السفینه: قال ابوذر سمعت النبي يقول: «الا إن مثل اهل بيتي فيكم كمثل سفينة نوح من ركبها نجا ومن تخلف عنها هلك»^۱.

حدیث غدیر: پیامبر فرمود: «ایها الناس الله مولای وانا مولاکم فمن کنت مولاه، فهذا علی مولاه، اللهم وال من والاه وعاد من عاداه وانصر من نصره واخذل من خذله واحب من احبه وابغض من ابغضه؛ ثم قال اللهم اشهد»^۲.

سبط بن جوزی می‌نویسد: «این جمله پیامبر صلی الله علیه و آله که فرموده است «الست اولی بالمؤمنین من انفسهم، نص صریحی است که دلالت بر امامت علی علیه السلام و وجوب قبول طاعت او دارد»^۳.

حدیث غدیر خم از نظر سند، حسن و متواتر است و با بیش از سیصد طریق از صد و شصت صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله و هشتاد و شش نفر از تابعین روایت شده است. متن کامل

۱. أخرجه الحاكم، ج ۳، ص ۱۶۳، رقم ۴۷۲۰؛ مستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۳۴۳؛ مجمع الزوائد، هیثمی، ج ۹، ص ۱۶۸؛ حلیة الاولیاء، ابو نعیم، ج ۴، ص ۳۰۶.

۲. مستندات این حدیث در کتب اهل سنت: صحیح ترمذی، ج ۵، ص ۶۳۳؛ ابن ماجه، ج ۱، ص ۴۵، ح ۱۱۵؛ مسند احمد، مؤسسه قرطیبة، القاهرة، ج ۱، ص ۸۴، ۱۱۸، ۱۷۰، ۱۷۳، ۱۷۵، ۱۷۷، ۱۷۹، ۱۸۲، ۱۸۴ و ۳۳۰؛ مسند احمد، نشر الرساله، با تحقیق: شعیب الأرنؤوط و آخرون، ج ۲، ص ۲۶۲؛ ج ۳، ص ۳۲ و ۳۳۸؛ ج ۴، ص ۲۸۱؛ ج ۵، ص ۳۷۰ و ۴۱۹؛ ج ۶، ص ۳۶۹ و ۴۳۸؛ صحیح ابن حبان، ج ۱۵، ص ۳۷۵؛ مستدرک حاکم، ج ۲، ص ۳۳۷؛ ج ۳، ص ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۶، ۱۴۳ و ۴۱۹؛ شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۹۳؛ مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۰۴ و ۱۰۹؛ مسند ابی یعلی، ج ۱، ص ۴۲۸؛ إتحاف الخیرة المهرة بزوائد المسانید العشرة، شهاب الدین أحمد بن أبی بکر بن اسماعیل البوصیری، ج ۷، ص ۷۶؛ معجم الاوسط، طبرانی، ج ۲، ص ۲۴؛ جامع الاحادیث، ج ۶، ص ۲۶۶؛ النسائی فی الکبری (۸۴۲۹، ۸۴۳۰ و ۸۴۸۹)؛ الطبرانی فی الکبیر برقم (۴۳۳۴ و ۴۹۱۹)؛ البزار فی مسنده برقم (۷۸۶)؛ الضیاء فی المختارة برقم (۴۸۱ و ۶۵۴) و منابع دیگر.

۳. تذکرة خواص الامه، ابن جوزی، ص ۲۰.

حدیث غدیر به همراه خطبه پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در غدیر خم به سند صحیح و معتبر در کتاب‌های شیعه آمده است و بخش‌هایی از آن به نقل از اسامه بن زیاد در منابع اهل سنت وجود دارد.

به جز احادیث معروفی مانند: حدیث ثقلین، حدیث منزلت، حدیث یوم الدار، حدیث غدیر، روایات بسیار دیگری درباره امامت بلافضل علی علیه السلام در منابع اهل سنت می‌توان یافت که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

از ابن‌بریده نقل شده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «لکلّ نبی وصی و وارث و انّ علیاً وصی و وارثی»^۱ «برای هر پیغمبری جانشین و وارثی است و علی جانشین و وارث من است».

۲. در روایت مربوط به عبادت آن حضرت این جمله را داشتیم که خداوند به ملائکه‌اش فرمود: «اشهدکم انه امام خلقي و مولی بریتی»^۲ «شما را شاهد می‌گیرم که او (علی) امام مخلوقم و سرپرست آفریده‌های من است».

۳. عمرو بن میمون از ابن‌عباس نقل می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: «انت ولی کلّ مؤمن بعدی»؛ «یا علی! تو بعد از من رهبر و سرپرست تمام مؤمنین هستی».^۳
در این حدیث با توجه به کلمه «بعدی» معنای ولی صراحت در رهبری و امامت دارد و معنا ندارد که پیامبر بفرماید تو محبوب مؤمنان بعد از من هستی.

راستی باید گفت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در معرفی علی علیه السلام و بیان منزلت‌ها و مقامات امیرمؤمنان علیه السلام هرگز کوتاهی نکرد و با شیوه‌های مختلف محوریت و رهبریت او را به جامعه معرفی کرد؛

۱. احادیث مختاره، شمس‌الدین ذهبی، ج ۱، ص ۶۵؛ ذخائر العقبی، احمد بن عبدالله طبری، ج ۱، ص ۷۱.

۲. البداية و النهاية، ابن کثیر دمشقی، ج ۷، ص ۳۴۶.

۳. المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، ج ۳، ص ۱۲۴؛ ینابیع المودة، سلیمان قندوزی، باب ۲۰، ص ۱۰۳؛ تاریخ الخلفاء، سیوطی، باب فضائل علی علیه السلام، ص ۱۷۳.

گاه دست او را بالا برد و فرمود: «این علی مولا و رهبر مردم است» و یا می فرمود: «علی مع القرآن و القرآن مع علی لن یتفرقا حتی یردنا علی الحوض»^۱ «علی با قرآن است و قرآن با علی علیه السلام است و هرگز آن دو از هم جدا نمی شوند تا بر حوض بر من وارد شوند».

حاکم در مستدرک خود، این حدیث را صحیح الإسناد می داند و طبرانی در المعجم الصغیر،^۲ و در الأوسط،^۳ و برخی دیگر از محدثان بزرگ اهل سنت آن را نقل کرده اند.

در حدیث دیگری پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است: «علی مع الحق و الحق مع علی و لن یفترقا حتی یردنا علی الحوض یوم القيامة»^۴ «علی با حق است و حق با علی است و هرگز آن دو از هم جدا نمی شوند تا در روز قیامت در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند».

در روایت دیگر فرمود: «سیکون من بعدی فتنة، فاذا کان ذلک، فالزموا علی بن ابی طالب، فانه الفاروق بین الحق و الباطل»؛ «به زودی بعد از من فتنه (ها) پیدا می شود، پس همراه علی بن ابی طالب علیه السلام باشید؛ زیرا او (معیار) جداکننده بین حق و باطل است».

همچنین فرموده است: «کسی که از علی جدا شود از من جدا شده و کسی که از من جدا شود از خدا فاصله گرفته است».^۵

علی علیه السلام در وصف خویش می گوید: «وقد علمتم موضعی من رسول الله بالقرابة القریبة والمنزلة الخیصه ...».^۶

۱. المستدرک للحاکم، ج ۳، ص ۱۳۴، حدیث ۶۱ فرائد السمطین، جوینی، ج ۱، ص ۴۳۹؛ ینابیع المودة، باب ۲۰، ص ۱۰۴؛ مجمع الزوائد، هبثمی، ج ۹، ص ۱۳۵؛ جامع الاحادیث، ج ۱۴، ص ۲۴۹؛ معجم الاوسط، ج ۵، ص ۱۳۵.

۲. ج ۱، ص ۲۵۵.

۳. ج ۵، ص ۱۳۵، رقم ۴۸۸۰.

۴. المناقب، ص ۱۰۵، روایت ۱۰۸.

۵. تاریخ بغداد، خطیب بغدادی، ج ۶، ص ۲۲۱، شماره ۳۲۷۵؛ ینابیع المودة، باب ۴۲، ص ۱۴۸؛ تاریخ دمشق، ابن عساکر، ج ۲، ص ۴۳۱.

۶. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲.

پیامبر اعظم ﷺ خطاب به علی علیه السلام فرمود: «یا علی ما عرف الله حق معرفته غیري و غیرک و ما عرفک حق معرفتک غیر الله و غیري»؛ «ای علی! خداوند متعال را شناخت به حقیقت شناختش جز من و تو، و تو را شناخت آنگونه که حق شناخت توست، جز خدا و من».

فضائل علی علیه السلام

به فضائل و اوصاف امیر مؤمنان علی علیه السلام از زبان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که در منابع اهل سنت موجود است نگاهی گذرا، می‌افکنیم.

احمد بن حنبل می‌گوید: «ما جاء لاحد من الصحابة من الفضائل ما جاء لعلی»؛^۱ «هیچ‌یک از صحابه، فضائل خاص علی علیه السلام را ندارند».

طبرانی از قول ابن عباس نقل می‌کند: «كانت لعلی ثمانی عشرة منقبة لو لم یکن له الا واحدة منها لنجی بها ولقد كانت له ثلاث عشرة منقبة ما كانت لاحد من هذه الامة».^۲

خلیل بن احمد وقتی از او درباره فضائل علی علیه السلام پرسش شد: «کیف اصف رجلاً کتم اعدیه محاسنه و حسداً و احبائه خوفاً و ما بین الکلمتین ملاً الخائفین»؛ «چگونه می‌توانم مردی را توصیف کنم که دشمنانش از روی حسادت و دوستانش از ترس (دشمنان) محاسن او را پنهان نمودند، ولی با این حال، محاسنش شرق و غرب عالم را فراگرفته است».

اذعان به افضلیت امیر المؤمنین علیه السلام اختصاص به امام احمد ندارد، بلکه بیشتر علمای منصف اهل سنت فضایل آن حضرت را تصدیق کرده‌اند. چنانچه ابن ابی الحدید معتزلی در شرح نهج البلاغه می‌گوید: «علی علیه السلام اولی و احق به امر ولایت بود از جهت افضلیت

۱. نظم در السمطين، الزندی الحنفی، ج ۱، ص ۸۰؛ مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول، صص ۱۷۱ و ۱۷۲.
محمد بن یوسف گنجی شافعی در باب ۲ کفایت الطالب از محمد بن منصور طوسی به این طریق از امام احمد نقل نموده که گفت «ما جاء لاحد من اصحاب رسول الله ما جاء لعلی بن ابیطالب» یعنی «نیامده است از برای احدی از اصحاب رسول خدا آن چیزی که برای علی بن ابیطالب آمده است».

۲. المعجم الاوسط، الطبرانی، ج ۶، ص ۱۸۰.

نه از جهت نص؛ زیرا که او بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله افضل تمام بشر و احق به مقام خلافت از تمام مسلمانان بود.^۱

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود:

ان الله تعالى جعل لاخي علي فضائل لا تحصى كثره فمن ذكر فضيلة من فضائله مقرا بها
غفر الله له ما تقدم من ذنبه و ما تأخر.^۲

به راستی خداوند برای برادرم علی علیه السلام فضائل بی شماری قرار داده است که اگر کسی یکی از آن فضایل را از روی اعتقاد و اعتراف بیان نماید، خداوند گناهان گذشته و آینده او را می بخشد.

بیهقی یکی از دانشمندان نامی اهل سنت چنین روایت کرده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

فرمود:

من احب ان ينظر الى آدم في علمه و الى نوح عليه السلام في تقواه و ابراهيم في حلمه و الى موسى
في عبادته فلينظر الى علي بن ابي طالب عليه الصلوة و السلام.^۳

هر کسی دوست دارد به علم و دانش آدم بنگرد و مقام تقوا و خود نگهداری نوح را (مشاهده نماید) و بردباری ابراهیم را (نظاره کند) و به عبادت موسی علیه السلام (پی ببرد) باید به علی بن ابی طالب علیه السلام نظر بیندازد.

- علی علیه السلام در اسلام آوردن بر همه صحابه مقدم است؛

امام احمد بن حنبل در مسند خود از قول ابن عباس نقل می کند:

من و ابوبکر و ابو عبیده جراح و جمعی از اصحاب خدمت پیامبر نشستیم بودیم که

۱. شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۴۶.

۲. المناقب، احمد الخوارزمی، ص ۳۲، حدیث ۲؛ فرائد السمطين، ج ۱، ص ۱۹، ینابیع المودة، قندوزی، باب ۵۶، حدیث ۷۰.

۳. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۲، ص ۴۹۹؛ ینابیع المودة، باب ۴۰؛ فصول المهمه، نورالدین مالکی، ص ۱۲۱.

آن حضرت دست مبارک خود را بر شانه علی زد و فرمود: ... أنت يا علي أول المؤمنين إيماناً وأولهم إسلاماً، ثم قال: أنت مني بمنزلة هارون من موسى وكذب علي من زعم أنه يجنبي ويغضك.^۱

علی علیه السلام اولین کسی بود که مسلمان شد و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آن را فضیلت و افتخاری برای علی علیه السلام دانست، ولی اهل سنت می‌گویند تقدم علی در ایمان آوردن فضیلت نیست؛ یعنی آنچه را پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فضیلت می‌داند، آنها فضیلت نمی‌دانند. آیا این انکار قول رسول خدا نیست؟

- پیامبر علی علیه السلام را وزیر و جانشین خود معرفی کرد؛

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خود به صراحت و روشنی و طبق احادیث مسلمی که محدثان شیعه و اهل سنت نقل کرده‌اند علی علیه السلام را وزیر و جانشین خود معرفی کرد، ولی با این حال برداران اهل سنت به عقیده و اجتهاد خود عمل می‌کنند و افرادی غیر از کسانی که خدا و رسول معرفی کرده‌اند، را برگزیده‌اند؟!

ألا أرضيك يا علي أنت أخي و وزيرني تقضي ديني وتنجز مواعيدي وتبرئ ذمتي فمن أحبك في حياة مني فقد قضى نجهه ومن أحبك في حياة منك بعدي ختم الله له بالأمن والإيمان ومن أحبك بعدي ولم يرك ختم الله له بالأمن والإيمان وأمنه يوم الفزع ومن مات وهو يبغضك يا علي مات ميتة جاهلية يحاسبه الله.^۲

هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله برای جنگ تبوک حرکت کرد علی علیه السلام به آن حضرت عرض کرد: آیا من نیز با شما بیایم؟ حضرت فرمود: نه. علی علیه السلام محزون شد و گریه کرد، آنگاه

۱. جامع الأحادیث، جلال الدین السیوطی، ج ۲۸، ص ۲۳۰؛ مسند احمد حنبل، ج ۱، ص ۱۴۱ و ۳۳۳؛ معجم الکبیر، الطبرانی، ج ۶، ص ۲۶۵؛ مستدرک الحاکم، ج ۳، ص ۱۴۳؛ حاکم می‌گوید: این حدیث صحیح الاسناد است.
۲. جامع الأحادیث، ج ۵، ص ۴۶۹.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله به ایشان فرمود: «أما ترضی أن تكون مني بمنزلة هارون من موسى إلا أنك لست بنبي؟ لا ينبغي أن أذهب إلا وأنت خليفة»^۱ «آیا راضی نیستی که تو نسبت به من مانند هارون نسبت به موسی باشی، جز اینکه تو پیامبر نیستی و سزاوار نیست من بروم، مگر اینکه تو جانشین من باشی». فرمودند: «أنت ولي كل مؤمن بعدي»^۲ «پس از من تو ولی همه مؤمنان خواهی بود». همچنین فرمودند: «من كنت مولاه فعلي مولاه»؛ «هر کس من مولای او هستم، علی نیز مولای اوست».

- محبت و علاقه پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام

هرکس جامع کمالات باشد، محبوب دل‌ها نیز هست. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که خود محبوب عالمیان و خوبان و پاکان است، عاشق شیدای علی است، زیرا به تصریح آیه مباحله، علی علیه السلام جان پیامبر صلی الله علیه و آله است «انفسنا» و جان هرکس شیرین و دوست‌داشتنی است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله محبت به علی علیه السلام را همان محبت به خود می‌داند و می‌فرماید: «من أحبب علياً فقد أحببني...»^۳ «هرکس علی را دوست بدارد، به من محبت ورزیده است». و «محبك محبي ومبغضك مبغضي»^۴ «دوستدار تو دوست من است و دشمن تو دشمن من». همچنین می‌فرماید: «يا علي طوبى لمن أحبك وصدق فيك وويل لمن أبغضك وكذب فيك»^۵.

۱. جامع الأحادیث، ج ۶، ص ۳۳۱.

۲. مسند احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۵۴۵، ذیل حدیث ۳۰۵۲؛ مسند ابی داوود طیالسی، ۳۶۰، شماره ۲۷۵۲؛

مستدرک الحاکم، ج ۳، ص ۱۳۴.

۳. کنز العمال، متقی هندی، ج ۱۱، ص ۶۲۲، حدیث ۳۳۰۲۴.

۴. همان، حدیث ۳۳۰۲۳.

۵. مستدرک الحاکم، ج ۳، ص ۱۴۵؛ مسند ابی یعلی، ج ۳، ص ۱۷۸.

پیامبر در جنگ خیبر درباره علی علیه السلام فرمود: «لَأُبْعَثَنَّ رجلاً لا يَخْزِيه الله أبداً، يحبُّ الله ورسوله، ويحبُّ الله ورسوله»^۱ «اکنون مردی را مأمور خواهم کرد که هرگز خدا او را خوار نسازد، او به خدا و پیامبرش مهر می‌ورزد و خدا و پیامبرش نیز به او مهر می‌ورزند». در این هنگام همه گردن کشیدند و منتظر بودند تا ببینند که پیامبر چه کسی را اراده کرده است، ناگهان پیامبر فرمود: «أين علي بن أبي طالب؟» «علی بن ابی طالب کجاست؟». گفتند که چشمانش درد می‌کند عمرو بن میمون می‌گوید: «علی با چشمان دردمند نزد پیامبر آمد و پیامبر صلی الله علیه و آله بر چشمان او دست کشید، سپس پرچم را سه بار به اهتزاز در آورد و به او داد، علی علیه السلام وارد میدان جنگ شد و پیروزمندانه بازگشت.

- اعلم از همه امت بودن:

علم و دانش علی علیه السلام اکتسابی نیست، بلکه ریشه در علم الهی و لدنی دارد، به این جهت علم او بر همه انسان‌های معمولی برتری دارد، در منابع اهل سنت نیز آمده است که او «اعلم الناس» است. در اینجا به نمونه‌هایی اشاره می‌شود:

۱. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «اعلم امتي من بعدي علي بن ابی طالب علیه السلام»^۲ «داناترین امت من بعد از من علی بن ابی طالب علیه السلام است».

۲. عبدالله بن مسعود می‌گوید، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «قُسمت الحکمة علی عشرة اجزاء فاعطي علي تسعة و الناس جزء واحد»^۳؛ «حکمت (و دانش) به ده جزء تقسیم شده است و به علی نه قسمت آن و به (مابقی مردم) یک‌دهم داده شده است».

تمامی علوم بشری و پیشرفت‌های آن از همان یک‌دهم است و علم علی علیه السلام نه برابر دانش تمامی بشریت است. راز آن هم این است که ریشه در مهبط وحی الهی، یعنی

۱. مسند أحمد، ج ۲، ص ۲۵۴.

۲. المناقب، خوارزمی، ص ۸۲، روایت ۶۷؛ فرائد السمطين، ج ۱، ص ۹۷؛ کفاية الطالب، گنجی، ص ۳۳۲.

۳. المناقب، ص ۸۲، روایت ۶۸؛ حلیة الاولیاء، ابی نعیم، ج ۱، ص ۶۴.

پیغمبر اکرم ﷺ دارد که فرمودند: «انا مدينة العلم و علي بابها، فمن اراد العلم فيأت الباب»؛^۱ «من شهر علم (الهی و وحیانی) هستم و علی در آن است، پس هرکس اراده دانش دارد باید از درب (شهر) وارد شود».

۳. عایشه درباره علیؑ می‌گوید: «هو اعلم الناس بالسنة...»؛^۲ «او داناترین مردم به سنت (پیامبر اکرم ﷺ) است».

۴. پیامبر اکرم ﷺ بعد از تزویج فاطمهؑ به علیؑ به دختر خود فرمود: «زوجتک خیر اهلی، اعلمهم علماً و افضلهم حلماً و اؤهم سلماً»؛^۳ «تو را به تزویج بهترین بستگانم و اهلم در آوردم که از نظر دانش داناترین و از نظر حلم و بردباری برترین و از نظر اسلام اولین است».

فضایل دیگر:

۱. پیامبر ﷺ ابوبکر را مأمور اعلان سوره براءة کرد، ولی به دنبالش علیؑ را فرستاد تا آن را از او بگیرد و خود اعلان کند، در این باره پیامبر ﷺ فرمود: «لا یذهب بها إلا رجل هو مني وأنا منه»؛^۴ «این مأموریت را فقط کسی که از من و من از اویم باید انجام دهد».

۲. پیامبر ﷺ به علیؑ فرمود: «أنت وليي في الدنيا والآخرة»؛^۵ «تو ولی و جانشین من در دنیا و آخرت هستی».

۳. علیؑ پس از خدیجهؑ اولین کسی است که اسلام را پذیرفت.

۱. المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۳۷ و ۱۳۸.

۲. کنز العمال، ج ۱۱، ص ۶۰۵، حدیث ۳۲۹۲۶.

۳. المناقب، الخوارزمی، ص ۳۱۹، حدیث ۳۲۲.

۴. مسند احمد، ج ۱، ص ۳۳۰، چاپ مؤسسه قرطبه، قاهره و ج ۵، ص ۱۷۹، مؤسسه الرسالة، ۱۴۲۰ ق؛ مسند ابی یعلی، ج ۱، ص ۱۰۰؛ جامع الاحادیث، ج ۱۳، ص ۱۵۹؛ سنن نسائی الکبری، ج ۵، ص ۱۱۲؛ المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، ج ۳، ص ۱۴۳.

۵. المستدرک، حاکم نیشابوری، ج ۳، ص ۱۰۴، ۱۴۳، ۱۴۵؛ مسند احمد، ج ۱، ص ۳۳۰ و ج ۵، ص ۱۹۱.

۴. آیه تطهیر و يطعمون الطعام در شأن علی عَلِيٍّ و اهل بیت بِهِ آمده است.
۵. آیه «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ» (بقره: ۲۰۷) در شأن آن حضرت نازل شد. فخررازی در تفسیر خود، «مفاتیح الغیب» درباره شأن نزول این آیه چنین می‌گوید: «نزلت في علي بن أبي طالب بات علي فراش رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ليلة خروجه إلى الغار ...»^۱؛ «آیه فوق در شأن علی بن ابی طالب نازل شد زمانی که وی در شب هجرت در بستر رسول الله خوابید».
- «الوسی» نیز در «روح المعانی» در تفسیر آیه فوق چنین می‌گوید: «شیعه امامیه و گروهی از اهل سنت می‌گویند که این آیه در شأن علی بن ابی طالب نازل شده وقتی پیامبر وی را در بستر خود در مکه قرار داد و وقتی (برای هجرت) به سمت غار رفت».^۲
۶. پیامبر درباره جهاد علی با مشرکان فرمود: «ضربت علی در روز جنگ احزاب افضل از عبادت ثقلین است».
۷. «أنا المنذر وعلي الهادي وبك يا علي يهتدي المهتدون من بعدي».^۳
- شیعه طالب حق و هدایت است؛ از این رو مطابق قول پیامبر عمل می‌کند که فرمودند: «علي مع الحق والحق مع علي».
- همچنین شیعه نجات را در عمل به این رهنمود قرآن می‌داند که می‌فرماید: «لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ»، تقدیم و انتخاب هر امام فاسق، ظالم و غیر معصوم برخلاف این سنت و رهنمود الهی است.
- شیعه به قول و توصیه پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عمل می‌کند که فرمودند: «اني تارك فيكم الثقلين كتاب

۱. التفسير الكبير (مفاتيح الغيب)، فخر الدين محمد بن عمر التميمي الرازي، ج ۵، ص ۱۷۴.

۲. روح المعانی فی تفسیر القرآن العظيم والسبع المثانی، شهاب الدين السيد محمود الأکوسی، ج ۲، ص ۹۷.

۳. الدبلمی، عن ابن عباس، ج ۶، ص ۴۹۸؛ والطبری فی تفسیره، ج ۱۳، ص ۱۰۸؛ قال ابن کثیر فی التفسیر، ج ۲، ص ۵۰۳. أخرجه الطبری بإسناد حسن.

الله وعترتی کتاب الله جبل ممدود من السماء الی الارض وعترتی اهل بیتی وانّ اللطیف الخبیر اخبرنی انّهما لن یفترقا حتی یردا علی الحوض فانظروا کیف تخلفونی فیها».

شیعه برای هدایت و نجات به کسی تمسک می کند که در علم و منزلت در مرتبه هارون قرار دارد.

شیعه به سفینه نجاتی تمسک می کند که پیامبر صلی الله علیه و آله معرفی می کند و می فرماید: «مثل اهل بیتی فیکم مثل سفینه نوح من رکبها نجا ومن تخلف عنها غرق»^۱.

ولی و امام شیعیان کسی است که خدا او را در آیه «انّما ولیکم الله...» معرفی کرده است.

شیعه برای هدایت و نجات از کسانی پیروی می کند که خدا آنان را مطهر از رجس، شرک و نفاق توصیف نموده است.

شیعه کسی را در هدایت و نجات امام خویش می داند که خدا و رسول او را دوست دارند.

ما شیعه هستیم؛ زیرا پیامبر، مسلمانان و پیروان خود را به مودّت، پیروی و پذیرش ولایت اهل بیت علیهم السلام دعوت کرده است؛ کسانی که در علم و ایمان و طهارت بر دیگران مقدم هستند. پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: «ولو انّ رجلاً صفن بین الرکن والمقام فصلّی وصام ثم لقی الله وهو مبغض لاهل بیت محمد دخل النار»^۲.

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «ولاية علي بن ابي طالب ولاية الله و حبه عبادة الله و اتباعه فريضة الله و

اولياؤه اولياء الله و اعداؤه اعداء الله و حربه حرب الله و سلمه سلم الله عز وجل صلی الله علیه و آله»^۳.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «ولاية علي بن ابي طالب علیه السلام ولاية خداست، دوست داشتن او

۱. مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۱۵۱؛ جامع الصغیر، سیوطی، ص ۱۳۲.

۲. مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۱۶۱.

۳. امالی، صدوق، ص ۳۲.

عبادت خداست، پیروی کردن او واجب الهی است و دوستان او دوستان خدا و دشمنان او دشمنان خداوند، جنگ با او، جنگ با خدا و صلح با او، صلح با خدای متعال است.»

بی‌شک همه عالمان اهل سنت که با تفسیر قرآن و روایات آشنایند، می‌دانند که خلافت، حقّ علی علیه السلام بود و او را از خلافت منع کردند و فدک را که حق زوجه او بود، غصب کردند. با این‌گونه رفتارها، علی علیه السلام صحابی، دوست و برادر پیامبر صلی الله علیه و آله را آزرده‌اند. اگر این افراد مطیع خدا و رسول بودند، چگونه حاضر به آزار و اذیت دوست پیامبر شدند، مگر پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده بود: «من آذی علیا فقد آذانی ومن آذانی فقد آذی الله»^۱. شیعه پیرو قرآن و سنت است و قرآن و سنت راه حق و صواب را نشان می‌دهد. اگر کسی صادقانه تابع کتاب و سنت باشد، باید مطابق توصیه‌های کتاب و سنت عمل کند. قرآن ما را از اطاعت کفار، مشرکین، ظالمین و منافقین نهی می‌کند و به اطاعت از رسول و جانشین او که هرگز مشرک و ظالم نبودند، دعوت می‌کند.

این سخن خداست که فرمود: «ولی شما، خدا و رسول او و کسی است که در حال نماز انفاق نمود». شما ای برادران اهل سنت بیایید سخن خدا را با جان و دل بپذیرید تا فردا در پیشگاه خدا و رسول صلی الله علیه و آله شرمنده نباشید. شما فردا به خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله می‌گویید که حجت را بر ما تمام نکردید و امام و خلیفه را معین ننمودید. از این رو ما در انتخاب خلفای سه‌گانه معذوریم. البته هرگز چنین چیزی را نمی‌توانید ادعا کنید، مگر اینکه همه آیات مربوط به شان و منزلت علی و اهل بیت علیهم السلام را نادیده بگیرید و مانند ابن تیمیه بگویید: «هیچ نصی از خدا و رسول در دست نداریم». همچنین همه احادیثی که در کتاب‌های خودتان آوردید، انکار و تکذیب کنید و بگویید که خدا فقط ما را به محبت

۱. جامع الصغیر، ص ۱۳۵.

و مودت اهل بیت علیهم السلام سفارش کرده و اجر رسالت را مودت «ذی القربی» معرفی کرده است. البته این سخن نیز از شما پذیرفته نخواهد شد؛ زیرا شما اهل بیت او را هرگز یاری نکردید، به سخنان آنان گوش ندادید، اطاعت آنان را بر خود واجب ندانستید و صدها عالم و محدث و خلیفه از بنی امیه و بنی عباس را بر آنان مقدم داشتید. حال ادعا می کنید دوستدار اهل بیت علیهم السلام هستید! این چگونه دوستی است که هیچ فایده‌ای برای شما و اهل بیت علیهم السلام ندارد. شما آن قدر مغرورید که حاضرید معنای ولی را به معنای دوستی حمل کنید و آیات خدا را تحریف کنید تا راه فراری برای توجیه حکومت خلفا بیابید. فردای قیامت تنها محبت و اطاعت کسانی می تواند انسان را نجات دهد که خدا به اطاعت و مودت آنها توصیه کرده است، ولی شما از آنچه خدا و رسول توصیه کرده اعراض نمودید و کورکورانه محبت و اطاعت کسان دیگری را بر اطاعت اهل بیت علیهم السلام ترجیح دادید. اگر فرمایش پیامبر صلی الله علیه و آله را می پذیرید که فرمود: «انّ علیاً متی وانا منه وهو ولی کل مؤمن بعدی»^۱ پس دیگر نمی توانید او را رها کنید و به ولایت و امامت کسانی تمسک کنید که پیامبر صلی الله علیه و آله امامت و ولایت آنها را امضا نکرده است.

آیا این حدیث پیامبر نیست که در کتاب‌های مهم و معتبر اهل سنت نقل شده است:
«اِنَّی تارک فیکم الثقلین کتاب الله وعترتی ... ما ان تمسکتُم بهما لن تضلّوا ابداً...»^۲

آیا می توانید با وجود این توصیه آشکار و تأویل ناپذیر پیامبر صلی الله علیه و آله باز هم ادعا کنید که هیچ نصی از پیامبر صلی الله علیه و آله درباره امامت علی علیه السلام به ما نرسیده است. بی شک برای همه طالبان حق و پیروان حقیقی قرآن و سنت، حجت خدا و رسول در تعیین امام و جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله چنان روشن و مبرهن است که جز با انکار آیات الهی و احادیث مسلم و متواتر نبوی نمی توان ادعا کرد که هیچ دلیلی بر امامت اهل بیت علیهم السلام وجود ندارد؛ از این رو هر کس چنین ادعایی کند، در

۱. صحیح ترمذی، ج ۵، ص ۵۹۰، حدیث ۳۷۱۲؛ مسند احمد، ج ۵، ص ۶۰۶؛ خصائص نسائی، ج ۵، ص ۱۲۶.

۲. صحیح ترمذی، ج ۵، ص ۶۲۲، حدیث ۳۷۸۸؛ مسند احمد، ج ۳، ص ۳۸۸؛ الدر المنثور، ج ۷، ص ۳۴.

واقع قول خدا و رسول را تکذیب کرده است. آیا مسلمان بودن با انکار قول رسول و بی‌اعتنایی به سخن و توصیه او سازگار است؟

شیعه می‌بیند که خدا، علی علیه السلام را در آیه «ولایت»، «تبلیغ»، «مودة ذی القربی»، «انذار» و «تطهیر» و «یطعمون الطعام» و آیه «مباهله» تعظیم، تکریم و تطهیر کرده و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تمسک به علی و فرزندان معصومش علیهم السلام را در کنار کتاب خدا موجب نجات و هدایت دانسته است. با وجود این همه آیات بینات و رهنمودهای آشکار رسول اکرم صلی الله علیه و آله آیا معقول است کسی ادعا کند خدا و رسول برای ما امام و هادی معین نکردند و ما به هر یک از صحابه که رجوع کنیم برای ما کافی است؟ این گفته باطل کسانی است که توصیه خدا و رسول را رها کردند و به ظن و گمان خود یا توصیه عمر، ابوبکر و ابن تیمیه عمل می‌کنند. پس، فردای قیامت باید به همان کسانی که در دنیا آنان را امام و راهنمای خود قرار دادند رجوع کنند و از آنها طلب شفاعت نمایند.

شیعه برای اثبات امامت اهل بیت علیهم السلام به آیات: «مودت»، «ولایت»، «اولوالامر»، «تبلیغ» و احادیثی مانند: حدیث «غدیر»، «اخوت»، «انذار»، «تقلین» تمسک می‌کند، اما دیگران طبق کدام قول خدا و رسول، ولایت دیگران را پذیرفتند؟

شیعه، علی علیه السلام را امام می‌داند و از او اطاعت می‌کند؛ زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله علی علیه السلام را برادر، جانشین و وصی خود و ولی مؤمنان معرفی کرده است. او محبوب پیغمبر صلی الله علیه و آله است که علم لدنی و الهی دارد؛ معیار حق و باطل و ثقل جدانشدنی از قرآن است. بر مردم واجب است که از امامی اطاعت کنند که از طرف خدا و رسول منصوب است.

شیعه پیرو و محب علی است؛ زیرا توحید حقیقی، عدالت، اسلام حقیقی، همه مکارم اخلاقی و بالاترین فضایل انسانی را در علی و اهل بیت علیهم السلام او مشاهده کرده و آموخته است؛ از این رو سخنان حکیمانه علی علیه السلام، شجاعت، جوانمردی، ایثار، عدالت، پارسایی، علم، عبادت معنویت و روحانیت علی علیه السلام، همه حق طلبان، حکیمان و عارفان

را مجذوب کرده است. علی الگوی انسان کامل برای بشریت است؛ پیشوایی است که امامت و رهبری او را خدا و رسول اکرم صلی الله علیه و آله تایید کرده است. اطاعت از او اطاعت از خدا و رسول صلی الله علیه و آله است، پیروی و تأسی به او موجب هدایت و رضای الهی است. با تمسک به براهین عقلی و آیات بینات قرآنی و رهنمودهای صریح و روشن رسول گرامی اسلام، تمسک به ولایت علی علیه السلام و تبعیت از این همای رحمت و خورشید هدایت، تمسک به حق است؛ زیرا طبق فرموده پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله علی با حق است و حق با علی است.

«تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل»

